

رابطه‌ی توانایی حل مسئله اجتماعی با حافظه کاذب در نوجوانان بزهکار و عادی

فاطمه کریمی اصفهانی*

فاطمه قائمی**

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه توانایی حل مسئله اجتماعی با حافظه کاذب در نوجوانان بزهکار و سالم بود. این مطالعه از نوع تحقیقات همبستگی بود. نمونه مورد مطالعه این پژوهش را تعداد ۵۳ نفر از نوجوان بزهکار مقیم کانون اصلاح و تربیت شهر تهران و ۴۸ نوجوان غیر بزهکار شاغل به تحصیل در دبیرستان‌های شهر تهران که با استفاده از روش تصادفی انتخاب شدند، تشکیل داد. از فرم کوتاه پرسشنامه مهارت‌های حل مسئله اجتماعی و ابزار بررسی حافظه کاذب (الگوی DMR) جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر روش‌های آمار توصیفی از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون ساده در نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد. نتایج این تحقیق نشان داد که در نوجوانان بزهکار، جهت‌گیری مثبت حل مسئله و سبک منطقی حل مسئله با حافظه کاذب همبستگی مثبت و معناداری دارد. در نوجوانان سالم، جهت‌گیری منفی حل مسئله و سبک تکانشی-بی دقتی حل مسئله با حافظه کاذب همبستگی منفی و معناداری دارد. همچنین یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که حافظه کاذب، ابعاد سازگاران حل مسئله را به صورت مثبت ($\beta=0/352$) و ابعاد ناسازگاران حل مسئله را به صورت منفی ($\beta=-0/368$) پیش‌بینی می‌کند.

واژگان کلیدی: توانایی حل مسئله اجتماعی، حافظه کاذب، نوجوانان بزهکار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

** استادیار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

حافظه^۳ مفهوم پیچیده، مبهم و گسترده‌ای است که بر تمام رفتارهای فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد، به طوری که هیچ رفتاری بدون تأثیر گرفتن از آن متصور نیست (میرز،^۴ ۲۰۰۷). حافظه انسان مستعد خطاهای نظام‌داری است که بسیاری از این خطاها بر اساس تجارب واقعی شکل می‌گیرند. همچنین روانشناسان مدت طولانی ای است که علاقمند بررسی خطاها و تحریفات حافظه هستند، به خاطر اینکه این‌چنین خطاهایی می‌تواند نظریه‌های مربوط به اینکه حافظه چگونه کار می‌کند را تحت تأثیر قرار دهد (ویناستین^۵ و شانک^۶، ۲۰۱۰؛ لیندسی^۷، هاگن^۸، رید^۹، وید^{۱۰} و گری^{۱۱}، ۲۰۰۴). در سالهای اخیر نیز این علاقه مندی در تحقیقات زیادی تحت عنوان حافظه کاذب^{۱۲} خود را نشان داده است (دی پرنس^{۱۳}، آلارد^{۱۴} و فرید^{۱۵}، ۲۰۰۴؛ وید و همکاران، ۲۰۰۷)؛ اصطلاح حافظه کاذب به موقعیتی اشاره دارد که چیزی در حافظه با تجربیات واقعی مطابقت ندارد؛ بیشترین نمونه قابل ملاحظه‌ای که از عدم مطابقت بین حافظه و واقعیت مطرح می‌شود، زمانی است که شخص تجربه‌ای از یک حادثه را به یاد می‌آورد که هیچگاه رخ نداده است (وین استین، ۲۰۰۹). حافظه کاذب دو نوع اصلی دارد: (۱) بازخوانی یا بازشناسی رویدادهای کاذب، به این علت که ردیابی‌های دقیق جایگزین، بیش از ردیابی‌های دقیق تجربه‌ی واقعی، به حافظه برگشته است. (۲) بازخوانی و بازشناسی رویدادهای کاذب به این علت که ردیابی‌های کلی از آن رویداد بیشتر از ردیابی‌های دقیق از رویداد به حافظه برگشته است (برینرد، رینا و فورست^{۱۶}، ۲۰۰۲). این خطاهای حافظه اغلب با خاطرات پیشینی که مشاهده نشده است هماهنگی باشد. برای بررسی حافظه کاذب یکی از پرکاربردترین پارادایم‌ها، پارادایم DRM^{۱۷} است؛ این پارادایم یک متدولوژی را نشان می‌دهد که سوگیری افراد باعث می‌شود آنها چیزهایی را به یاد آورند که رخ نداده است، این روش اولین بار به وسیله دیز^{۱۸} بکار گرفته شد و اخیراً به وسیله مک درمنت و رودریگر^{۱۹} گسترش یافته است. در پارادایم DRM به شرکت کنندگان سیستمی از کلمات (برای مثال؛ رختخواب، استراحت، بیداری، رویا) ارائه می‌شود که مربوط به یک کلمه شاخص (برای مثال؛ خواب) هستند؛ شرکت کنندگان غالباً کلمه شاخص را با وجود اینکه در لیست وجود ندارد، گزارش می‌دهند (ساگرو و هین^{۲۰}، ۲۰۰۶).

-
۳. Memory
 ۴. Myers DG
 ۵. Weinstein Y
 ۶. Shanks DR
 ۷. Lindsay DS
 ۸. Hagen L
 ۹. Read JD
 ۱۰. Wade KA
 ۱۱. Gary
 ۱۲. False Memory
 ۱۳. De-Prince A
 ۱۴. Alard CB
 ۱۵. Freyd J
 ۱۶. Brainerd CJ, Reyna VF & Forest TJ
 ۱۷. Deese-Roediger-McDermott (DRM) paradigm
 ۱۸. Deese
 ۱۹. McDermott & Roediger
 ۲۰. Suggs K & Hayne M

محققان خاطرات کاذب را در تعدادی از جمعیت‌ها مانند کودکان (بروک، سسی، فرانکور و بار^{۲۱}، ۱۹۹۵؛ درومی و نیوکومب^{۲۲}، ۲۰۰۲ و رابینسون و ویتکومب^{۲۳}، ۲۰۰۳)، شاهدان عینی (بلی، لیندسی، گالز و مک کارتی^{۲۴}، ۱۹۹۴) و زنان با سابقه‌ی سوءاستفاده جنسی در کودکی (گودمن^{۲۵} و همکاران، ۲۰۰۳) مورد بررسی قرار داده‌اند. به علاوه رابطه‌ی بین خلق حافظه‌ی کاذب و تفاوت‌های فردی مختلف در ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روان مورد توجه قرار گرفته است؛ برای نمونه وسواس آسیب‌پذیری^{۲۶} (گریترز^{۲۷} و همکاران، ۲۰۰۵)، اضطراب (روبرتز، ۲۰۰۲؛ ونزل، جستاد، برنلد، فراروو لیستاد^{۲۸}، ۲۰۰۴)، تجزیه و قرار گرفتن در معرض رویداد‌های آسیب‌زا (گریترز و همکاران، ۲۰۰۵). از تحقیقات اشاره‌شده برخی رابطه مثبتی بین حافظه‌ی کاذب و متغیرهای مورد بررسی اشاره‌شده در بالا یافته‌اند و برخی هیچ رابطه‌ای پیدا نکرده‌اند.

اخیرا محققان به این مهم پرداخته‌اند که حافظه‌ی کاذب نیز ممکن است پیامد‌های مثبتی به همراه داشته باشد (هوه^{۲۹}، ۲۰۱۱؛ اسپاکتر^{۳۰}، گورین^{۳۱} و جاکویز^{۳۲}، ۲۰۱۱). در واقع یک مکتب فکری وجود دارد که عقیده دارد خطاهای حافظه نقش انطباقی دارند و حتی ممکن است با بقا ما ارتباط داشته باشد. همسو با این عقیده، بررسی‌ها نشان می‌دهند که اطلاعاتی که به خاطر اهمیتشان در بقاء، ذخیره‌شده‌اند از اطلاعاتی که با اهداف دیگری ذخیره‌شده‌اند، بهتر یادآوری می‌شوند. این مزایای حافظه به این خاطر ناشی می‌شوند که سیستم حافظه‌ی انسان ابتدائاً اطلاعات مرتبط با بقا را به خاطر نقش بالاتری که در سازگاری دارند بهتر ذخیره می‌کند (نیرن^{۳۳}، ۲۰۱۰). در این راستا هوه، گارنر، دیورث و بال (۲۰۱۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که حافظه کاذب موجب تسهیل فرایند حل مسئله می‌شود. ایشان همسو با سایر تحقیقات، کارکرد انطباقی و سکوسازی خاطرات کاذب را مورد تاکید قرار می‌دهند. همچنین هوه، گارنر^{۳۴}، چارلزورث^{۳۵} و نات^{۳۶} (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان: "طرف روشتر خطای حافظه: خاطرات کاذب می‌توانند حل مسئله مبتنی بر بینش را راه‌اندازی کنند"، در پاسخ به این سؤال که آیا خاطرات کاذب می‌توانند تأثیر مثبتی بر روی شناخت افراد داشته باشد، نشان دادند که صرف‌نظر از سن، زمانی که کلمه‌ی طعمه به صورت کاذب یادآوری می‌شد، مسئله ارائه‌شده اغلب از مسئله‌ای که در آغاز آن لیست DRM ارائه نشده بود، بیشتر و سریع‌تر حل می‌شد. ایشان این‌گونه استدلال می‌کنند که زمانی که خاطرات کاذب در زمان رمزگذاری تولید می‌شوند، آنها می‌توانند راه‌حلی برای مسائل مبتنی بر بینش در کودکان و بزرگسالان تولید کنند.

^{۲۱}. Bruck, Ceci , Francoeur & Barr

^{۲۲}. Drummey& Newcombe

^{۲۳}. Robinson &Whitcombe

^{۲۴}. Belli, Lindsay, Gales& McCarthy

^{۲۵}. Goodman

^{۲۶}. fantasy proneness

^{۲۷}. Geraerts

^{۲۸}. Roberts, Wenzel, Jostad, Brendle, Ferraro& Lysta

^{۲۹}. Howe

^{۳۰}.Schacter

^{۳۱}. Guerin

^{۳۲}. Jacques

^{۳۳}. Nairne

^{۳۴}. Garner

^{۳۵}. Charlesworth

^{۳۶}. Knott

مهارت حل مسئله یکی از کارآمدترین شیوه‌های مقابله مسئله مدار است و به معنی فرایند تفکر منطقی و منظمی است که به فرد کمک می‌کند تا هنگام رویارویی با مشکلات، راه‌حل‌های متعددی را جستجو کند و سپس بهترین راه‌حل را انتخاب نماید. این مهارت در برنامه‌ریزی‌های مختلف ارتقاء بهداشت روان و پیشگیری از جمله: افزایش سازگاری، افزایش عزت نفس، رویارویی کارآمد با بحران، بهبود روابط اجتماعی، پیشگیری از خودکشی و ... استفاده می‌شود (الیوت^{۳۷}، ۱۹۹۹). دی زوریلا و همکاران (۲۰۰۲) با تلفیق نتایج حاصل از مرور نظریه‌ها و پژوهش‌های گذشته در خصوص حل مسئله و پژوهش‌هایی که خود انجام داده بودند، الگویی از حل مسئله اجتماعی را گسترش دادند که روی پنج بعد متمرکز می‌شود. از این ۵ بعد، دو بعد: جهت‌یابی مثبت مسئله^{۳۸} (PPO) و جهت‌یابی منفی مسئله^{۳۹} (NPO) متغیرهای جهت‌یابی هستند و سه بعد: سبک حل مسئله منطقی^{۴۰} (RPS)، سبک تکانشی/بی‌دقتی^{۴۱} (ICS) و سبک اجتنابی^{۴۲} (AS) الگوهای حل مسئله هستند. در نتیجه PPO و RPS ابعاد سازنده و NPO، ICS و AS ابعاد حل مسئله با کارکرد نامناسب هستند. جهت‌یابی حل مسئله، اساساً یک فرآیند انگیزشی است و در برگیرنده عمل به مجموعه‌ای از طرح‌واره‌های هیجانی شناختی نسبتاً مستقل است که افکار و احساسات تعمیم‌یافته یک شخص (در ارتباط با مشکلات زندگی) و همچنین توانایی حل مسئله وی در مورد مسائل زندگی را منعکس می‌کند (مانند برداشت‌ها، باورها، انتظارات و پاسخ‌های هیجانی)؛ اما سبک‌های حل مسئله به فعالیت‌های شناختی و رفتاری آشکاری که به یافتن راه حل برای یک مسئله خاص کمک می‌کند اشاره دارد.

با توجه به آنچه در بالا اشاره شد محقق با این مسئله مواجه شد که آیا ممکن است حافظه کاذب در نوجوان، نقش سازشی داشته باشد؟ اگر چنین است پس باید حافظه‌ی کاذب با ابعاد سازگارانه حل مسئله، رابطه مثبت و با ابعاد ناسازگارانه حل مسئله، رابطه منفی داشته باشد؛ لذا محقق در این پژوهش درصدد است به این سؤال‌ها پاسخ دهد که: رابطه توانایی‌های حل مسئله اجتماعی با حافظه کاذب چگونه است؟ و اینکه آیا این رابطه در نوجوانان بزهکار و عادی به شیوه یکسانی رخ می‌دهد یا خیر؟

روش

جامعه آماری این پژوهش را کلیه نوجوانان بزهکار مقیم کانون اصلاح و تربیت شهر تهران تشکیل داد. نمونه مورد مطالعه این پژوهش به صورت نمونه‌گیری غیر تصادفی و از نوع دردسرساز بین نوجوانان بزهکار مقیم کانون اصلاح و تربیت شهر تهران انتخاب شد؛ انتخاب نوجوانان سالم نیز با هم‌تاسازی سن و جنس از بین دانش‌آموزان مدارس راهنمایی انجام شد. حجم نمونه با توجه به نوع روش تحقیق بر اساس نظر دل‌اور (۱۳۸۰) برای هر گروه ۵۰ نفر تعیین شد؛ که در مجموع ۱۰۱ نوجوان (۵۳ نوجوان بزهکار و ۴۸ نوجوان سالم) نمونه مورد مطالعه این پژوهش را تشکیل دادند. جهت جمع‌آوری اطلاعات لازم از ابزارهای زیر استفاده شد:

فرم کوتاه پرسشنامه مهارت‌های حل مسئله اجتماعی دی زوریلا و همکاران (۲۰۰۲)

۳۷. Elliot

۳۸. Positive problem Orientation(PPO)

۳۹. Negative problem Orientation(NPO)

۴۰. Rational problem solving(RPS)

۴۱. Impulsivity carelessness style(ICS)

۴۲. Avoidance style(AS)

فرم کوتاه ۲۵ گوی‌های پرسشنامه تجدیدنظر شده حل مسئله اجتماعی از ۵ خرده مقیاس تشکیل شده است (دی زوریلا و همکاران، ۱۹۹۶). ۱- جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله (سؤالات شماره ۴-۶-۲۳-۲-۷). ۲- جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله (سؤالات شماره ۸-۳-۱۲-۱-۲۲). ۳- سبک منطقی مسئله (سؤالات شماره ۲۵-۲۴-۲۱-۱۶-۲۰). ۴- سبک تکانشگری / بی‌دقتی (سؤالات شماره ۱۹-۱۰-۱۴-۵-۲۳). ۵- سبک اجتنابی (سؤالات شماره ۱۸-۱۵-۱۱-۹). در این پرسشنامه از پاسخ‌دهندگان درخواست می‌شود که پاسخ صحیح را بر روی یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از «به هیچ عنوان درباره من درست نیست» تا «درباره من کاملاً درست است» انتخاب کنند.

اعتبار و روایی پرسشنامه: در مطالعه صالحی، کوشکی، سپاه منصور و تقی‌لو (۱۳۸۸) ضرایب آلفای کرونباخ برای جهت‌یابی مثبت نسبت به حل مسئله (۰.۶۸)، جهت‌یابی منفی به حل مسئله (۰.۷۵)، حل منطقی مسئله، (۰.۶۲)، سبک اجتنابی (۰.۶۸) و سبک بی‌دقتی / پرخاشگری (۰.۶۸) به دست آمد. همچنین روایی همزمان فرم کوتاه پرسشنامه تجدیدنظر شده حل مسئله اجتماعی (هیپنر و پترسون، ۱۹۸۲؛ نقل از سو و شک، ۲۰۰۵)، نشان داد که چهار خرده مقیاس از ۵ خرده مقیاس فرم کوتاه پرسشنامه تجدیدنظر شده حل مسئله اجتماعی (به جز خرده مقیاس حل مسئله منطقی) به‌طور معناداری با اندازه‌های آشفتگی (شامل استرس، نشانگان جسمی، اضطراب، افسردگی، نومیدی و افکار خودکشی) و بهزیستی (شامل عزت نفس، رضایت از زندگی، برون‌گرایی، سازگاری اجتماعی، توانش بین فردی و مهارت‌های اجتماعی) رابطه نشان می‌دهند.

ابزار بررسی حافظه‌ی کاذب (الگوی DMR):

این ابزار نخستین بار در سال ۱۹۵۹ توسط دیس^{۴۳} به‌کاربرده شد و رودریگر و مک‌درموت (۱۹۹۵) آن را رواج دادند. در این پارادایم ۲۸ لیست کلمه وجود دارد که هر لیست دارای کلمه کلیدی (طعمه) است که در لیست ارائه نمی‌شود، اما آزمودنی ممکن است آن را پردازش کند. بعد از بازیابی، میزان حافظه کاذب آزمودنی‌ها از طریق در نظر گرفتن کلمات کلیدی سنجیده می‌شود (رودریگر و مک‌درموت، ۱۹۹۵). این آزمون توسط نجاتی، کمری، راد فر و شیرینی (۱۳۹۱) هنجار شده و فرم ایرانی این آزمون به دست آمده است. این آزمون روشی آسان و معتبر برای مطالعه یادآوری و بازشناسی کاذب در فرایندهای تداعی‌کننده فراهم کرده است. بر اساس گزارش وید^{۴۴} و همکاران همکاران (۲۰۰۷) حدود ۴۰٪ از کل پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه حافظه‌ی کاذب تا سال ۲۰۰۶ از آزمون DRM استفاده کرده‌اند. استدلر^{۴۵}، رودریگر و مک‌درموت (۱۹۹۹) با استفاده از روش دو نیمه کردن، اعتبار آزمون یادآوری و بازشناسی را به ترتیب ۰/۸۰ و ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. روایی و اعتبار این آزمون در جمعیت عمومی و دانشجویان و کودکان ایرانی مورد تأیید قرار گرفته است (نجاتی، کمری، رادفر و شیرینی، ۱۳۹۱).

یافته‌ها

بررسی اطلاعات جمعیت شناختی آزمودنی‌ها نشان داد که محل سکونت ۵۴.۲٪ (۲۶ نفر) از پسران بزهکار جنوب تهران و محل سکونت ۲۹.۲٪ (۱۴ نفر) غرب تهران بود. والدین ۶۲.۵٪ (۱۵ نفر) پسران بزهکار طلاق گرفته بودند. ۳۰.۶٪ (۱۵ نفر) از پسران بزهکار اظهار نمودند که در خانواده سابقه بیماری جسمی وجود دارد و همچنین ۲۱.۳٪

^{۴۳}. Wade

^{۴۴}. Deese

^{۴۵}. Stadler

(۱۰) از پسران بزهکار ذکر کرده‌اند که در خانواده سابقه بیماری های روانی وجود دارد. میانگین سن پسران بزهکار ۱۷ سال (انحراف استاندارد= ۰.۷۲) و میانگین سن پسران سالم ۱۶.۱۹ سال (انحراف استاندارد= ۰.۷۰) است.

جدول ۱. ضریب همبستگی حافظه کاذب با توانایی حل مسئله در نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار

ابعاد ناسازگارانه			ابعاد سازگارانه		گروه	متغیر
سبک تکانشی- تبی دقتی	سبک اجتنابی	جهت گیری منفی مسئله	حل منطقی مسئله	جهت گیری مثبت مسئله		
۰.۲۵۵-	۰.۰۰۶-	۰.۲۱۶-	*۰.۲۷۲	*۰.۲۸۸	بزهکار	حافظه
۰.۲۶۳-*	۰.۲۰۴-	۰.۲۵۸-*	.۱۴۳	۰.۱۸۲	غیر بزهکار	

**همبستگی در سطح ۰.۰۱
معنی دار است. *همبستگی در سطح ۰.۰۵ معنی دار است.
داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که در نوجوانان بزهکار، جهت گیری مثبت حل مسئله (R=۰.۲۸۸)؛

و سبک منطقی حل مسئله (R=۰.۲۷۲؛ sig<۰.۰۵) با حافظه کاذب، همبستگی مثبت و معناداری دارد و سایر مولفه های حل مسئله اجتماعی (ابعاد ناسازگارانه حل مسئله) با حافظه کاذب همبستگی معناداری ندارد؛ اما در نوجوانان غیر بزهکار، جهت گیری منفی حل مسئله (R=۰.۲۵۸؛ sig<۰.۰۵) و سبک تکانشی-بی دقتی حل مسئله (R=۰.۲۶۳؛ sig<۰.۰۵) با حافظه کاذب همبستگی منفی و معناداری دارد و سایر مولفه های حل مسئله اجتماعی با حافظه کاذب همبستگی معناداری ندارد.

جدول ۲. خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه های آماری رگرسیون ابعاد سازگارانه و ناسازگارانه حل مسئله بواسطه حافظه کاذب

R ²	R	P	F	MS	d f	SS	شاخص مدل	ابعاد حل مسئله	متغیر
.۱۲۴	.۳۵۲	.۰۰۱	۱۴.۰۲۶	۵۵۶.۰۳۰	۱	۵۵۶.۰۳۰	رگرسیون	سازگارانه	حافظه ذب
				۳۹.۶۴۲	۹۹	۳۹۲۴.۵۴۴	باقیمانده		
					۱۰	۴۴۸۰.۵۷۴	کل		

اطلاعات در این ضریب بین مورد ابعاد	۰.۱۳۵	۰.۳۶۸	۰.۰۰۱	۱۵.۵۱۵	۸۹۲.۴۵۵	۱	۸۹۲.۴۵۵	رگرسیون	ناسازگارانه	بر اساس ارائه شده جدول، همبستگی متغیرهای مطالعه در
					۵۷.۵۲۳	۹۹	۵۶۹۴.۷۷۳	باقیمانده		
						۱۰	۶۵۸۷.۲۲۸	کل		

سازگارانه حل مسئله، $R^2 = 0/352$ (معادل $0/124$) است؛ به عبارت دیگر $12/4$ درصد از واریانس ابعاد سازگارانه حل مسئله بر اساس حافظه کاذب قابل تبیین است. در این مدل، آزمون ANOVA با توجه به مقادیر $F = 14/026$ و $sig = 0.001$ کارایی مدل مورد استفاده را در پیش بینی متغیر وابسته تأیید می کند و می توان گفت که بین متغیرهای پیش بین وارد شده در مدل با ابعاد سازگارانه حل مسئله رابطه معناداری وجود دارد.

همچنین در خصوص ابعاد ناسازگارانه حل مساله ضریب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه، $R^2 = 0/368$ (معادل $0/135$) به دست آمده است؛ به عبارت دیگر $13/5$ درصد از واریانس ابعاد ناسازگارانه حل مسئله بر اساس حافظه کاذب قابل تبیین است. در این مدل، آزمون ANOVA با توجه به مقادیر $F = 15/515$ و $sig = 0.001$ کارایی مدل مورد استفاده را در پیش بینی متغیر وابسته تأیید می کند و می توان گفت که بین متغیر پیش بین وارد شده در مدل با ابعاد ناسازگارانه حل مسئله رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳. رگرسیون ابعاد سازگارانه و ناسازگارانه حل مسئله بر اساس حافظه کاذب

ابعاد حل مسئله	متغیر	B غیر ضرایب (استاندارد)	B ضرایب (استاندارد) بتا	T	sig
سازگارانه	عرض از مبدأ	۲۴.۴۸۶		۱۳.۴۶۱	.۰۰۱
	حافظه کاذب	۰.۲۹۲	۰.۳۵۲	۳.۷۴۵	.۰۰۱
ناسازگارانه	عرض از مبدأ	۴۰.۶۱۷		۱۸.۵۳۷	.۰۰۱
	حافظه کاذب	۰.۳۷۰-	۰.۳۶۸-	۳.۹۳۹	.۰۰۱

در جدول شماره ۳ در خصوص ابعاد سازگارانه حل مسئله و بر اساس مقادیر β (ضرایب رگرسیون استاندارد) میزان تغییر در متغیر ملاک (ابعاد سازگارانه حل مسئله) به ازاء یک واحد تغییر در متغیر پیش بین ارائه شده است؛ با توجه به مقادیر t و سطوح معناداری آن می توان نتیجه گرفت که حافظه کاذب به صورت مثبت، ابعاد سازگارانه حل مسئله را پیش بینی می کند. بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد می توان گفت که حافظه کاذب با $(\beta = 0/352)$ ، سهم معنی داری در پیش بینی ابعاد سازگارانه حل مسئله دارد.

همچنین در خصوص ابعاد ناسازگارانه حل مسئله، بر اساس مقادیر β (ضرایب رگرسیون استاندارد) میزان تغییر در متغیر ملاک (ابعاد ناسازگارانه حل مسئله) به ازاء یک واحد تغییر در متغیر پیش بین ارائه شده است؛ با توجه به

مقادیر t و سطوح معناداری آن می‌توان نتیجه گرفت که حافظه کاذب به صورت منفی، ابعاد ناسازگارانه حل مسئله را پیش‌بینی می‌کند. بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد می‌توان گفت که حافظه کاذب با $(\beta = -0.368)$ ، سهم معنی‌داری در پیش‌بینی ابعاد ناسازگارانه حل مسئله دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه توانایی حل مسئله اجتماعی و اهداف پیشرفت با حافظه کاذب در نوجوانان بزهکار و سالم بود. بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش در نوجوانان بزهکار، جهت‌گیری مثبت حل مسئله و سبک منطقی حل مسئله با حافظه کاذب همبستگی مثبت و معناداری دارد و سایر مؤلفه‌های حل مسئله اجتماعی (ابعاد ناسازگارانه حل مسئله) با حافظه کاذب همبستگی معناداری ندارد؛ اما در نوجوانان سالم، جهت‌گیری منفی حل مسئله و سبک تکانشی-بی‌دقتی حل مسئله با حافظه کاذب همبستگی منفی و معناداری دارد و سایر مؤلفه‌های حل مسئله اجتماعی با حافظه کاذب همبستگی معناداری ندارد. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که حافظه کاذب، ابعاد سازگارانه حل مسئله را به صورت مثبت $(\beta = 0.352)$ و ابعاد ناسازگارانه حل مسئله را به صورت منفی $(\beta = -0.368)$ پیش‌بینی می‌کند.

یافته‌های این تحقیق از جهت تاکید بر نقش مثبت حافظه کاذب در پیش‌بینی ابعاد سازگارانه و ناسازگارانه حل مسئله، با یافته‌های تحقیقاتی که بر نقش سازشی توانایی حل مسئله اجتماعی تاکید دارند، همسو است (هوه، ۲۰۱۱؛ اسپاکتر، گورین و جاکویز، ۲۰۱۱؛ نیرن، ۲۰۱۰ و هوه، گارنر، دیورث و بال، ۲۰۱۰). همچنین نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق هوه، گارنر^{۴۶}، چارلزورث^{۴۷} و نات^{۴۸} (۲۰۱۱)، همسو است؛ ایشان در پژوهش خود با عنوان: طرف روشتر خطای حافظه: خاطرات کاذب می‌توانند حل مسئله مبتنی بر بینش را راه‌اندازی کنند، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا خاطرات کاذب می‌توانند تأثیر مثبتی بر روی شناخت افراد داشته باشد، طی دو آزمایش محققان به بررسی این موضوع پرداختند؛ از کودکان و بزرگسالان خواسته شد تا مسائل پیچیده را حل کنند؛ به نیمی از آزمودنی‌ها ابتدا لیست DRM که کلمه‌ی طعمه در آن راه حل مسئله بود، ارائه شد. در آزمایش یک نتایج نشان داد که صرف نظر از سن، زمانی که کلمه‌ی طعمه به صورت کاذب یادآوری می‌شد، مسئله ارائه شده اغلب از مسئله‌ای که در آغاز آن لیست DRM ارائه نشده بود، بیشتر و سریع‌تر حل می‌شد. زمانی که کلمه طعمه به صورت کاذب یادآوری نمی‌شد، نرخ حل مسائل و زمان حل آن، تفاوت معنی‌داری نسبت به زمانی که لیست DRM ارائه نشده بود، نداشت. محققان در پایان این‌گونه استدلال می‌کنند که این نتایج نشان می‌دهند که زمانی که خاطرات کاذب در زمان رمزگذاری تولید می‌شوند، آنها می‌توانند راه‌حلی برای مسائل مبتنی بر بینش در کودکان و بزرگسالان تولید کنند.

از سویی این نتایج در قالب نقش حافظه کاذب در سکوسازی قابل تبیین است؛ محققان معتقدند که اگر بپذیریم حافظه‌ی کاذب به وسیله مکانیزم فعال‌سازی گسترده ایجاد می‌شود (هوه، ویمر^{۴۹}، گاکنون^{۵۰} و پلامپتون^{۵۱}، ۲۰۰۹)،

۴۶. Garner
۴۷. Charlesworth
۴۸. Knott
۴۹. Wimmer
۵۰. Gagnon
۵۱. Plumpton

بنابراین زیرسازی^{۵۲}، یک موضوع ایده آل برای بررسی‌ها است. در حافظه واقعی، زیرسازی (سکوسازی) به عنوان بهبود سرعت و تمایل به تکمیل تکلیف استنباط می‌شود؛ مانند تنه یک تکلیف کامل کردنی که کامل کردن آن شامل استفاده از کلماتی است که قبلاً یاد گرفته شده‌اند (گراف^{۵۳}، شیمامورا^{۵۴} و اسکواپر^{۵۵}، ۱۹۸۵).

همچنین در صورتی که نقش توانایی حل مسئله در سلامت روانشناختی را بپذیریم و از آنجا که نتایج این تحقیق نشان داد که حافظه کاذب بالا، ابعاد سازگاران حل مسئله را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند، نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج تحقیق کینگ^{۵۶} و همکاران (۲۰۱۰) از جهت تاکید بر نقش توانایی حل مسئله بر خودکارآمدی و رفتارهای خود-مدیریتی همسو است. از سویی با توجه به پیوستگی و تأثیر و تأثر مقوله سلامت روانشناختی و جسمی نتایج این پژوهش با رویکردهایی که توانایی حل مسئله را در سلامت روانشناختی موثر می‌دانند همسو است. برای نمونه الیوت^{۵۷} و مارمارش^{۵۸} (۱۹۹۴) معتقدند که احساس درماندگی، ناتوانی و ناکارآمدی به عنوان یک راهبرد غیر سازنده حل مسئله اجتماعی در مقابل موقعیت‌های پیچیده بیرونی، استفاده از امکانات عقلانی و روان‌شناختی را ناممکن می‌سازد. این احساس ناخوشایند درماندگی، توانمندی روانی و جسمانی را با سطحی از بازداری مواجه می‌سازد و به تدریج، زمینه بروز بسیاری از اختلالات هم به صورت روانی و جسمانی را فراهم می‌آورد و به صورت باورهای غیرمنطقی و جهت‌گیری‌های نامناسب نسبت به موقعیت‌های مسئله‌دار می‌تواند به یک احساس خطر قریب‌الوقوع منتهی گردد، بنابراین فرد خود را در مقابل این گونه موقعیت‌ها ناتوان حس می‌کند؛ در این صورت، واکنش ترس و اضطراب وجود فرد را تسخیر می‌نماید. حتی چنین باورهایی می‌تواند دامنه تجربیات فرد را محدود کرده و به اضطراب پایدار منجر شوند. در این راستا بورنشتاین (۲۰۰۳) نشان داده است که خود ارزیابی^{۵۹}، خودکارآمدی^{۶۰}، خودپیروی^{۶۱} و تشخیص به موقع موقعیت‌های مسئله‌دار^{۶۲} از جمله معیارهای هستند که با واسطه آنها می‌توان سطح روان درستی افراد را برآورد کرد.

هنسن^{۶۳} و میتز^{۶۴} ۱۹۹۷، نیز نشان دادند که بین روش‌های حل مسئله سازنده و سلامت روان ارتباط معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، فرایند حل مسئله از متغیرهای پیش‌بین: اعتماد^{۶۵}، مهارگری^{۶۶} و روی آورد مثبت به موقعیت‌های مسئله‌دار است. افزون بر این، حل مسئله نقش بسیار مهمی در کاهش تنیدگی^{۶۷} و در نتیجه تأمین

۵۲. priming

۵۳. Graf

۵۴. Shimamura

۵۵. Squire

۵۶. KING

۵۷. Elliot.T

۵۸. Marmarosh.C.L

۵۹. Self - appraisal

۶۰. Self - efficacy

۶۱. Autonomy

۶۲. Problematic situations

۶۳. Hanson, K. M

۶۴. Mintz

۶۵. Confidence

۶۶. Control

۶۷. Stress

سلامت روانی ایفا می‌کند. در مقابل، روش‌های غیر سازنده حل مسئله، تهدید جدی علیه بهداشت روانی^{۶۸} و افزایش ادراک اجتنابی^{۶۹} نسبت به موقعیت‌های مسئله‌دار می‌باشد. لذا با توجه به نتایج این تحقیق و سایر پژوهش‌هایی که در بالا اشاره شد می‌توان این‌گونه استدلال کرد که حافظه کاذب می‌تواند توانایی حل مسئله را پیش‌بینی کند؛ این نتایج را می‌توان با استناد به نتایج پژوهش‌هایی که نقش حافظه کاذب را در سازگاری مشخص نموده‌اند، تبیین کرد.



۶۸. Mental health
۶۹. Avoidance

- دلاور، علی (۱۳۸۰). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات ویرایش.
- صالحی، مهدیه؛ کوشکی، شیرین؛ سپاه منصور، مژگان و تقی لو، صادق (۱۳۸۸). تعیین ساختار عاملی مقیاس سنجش حل مسئله اجتماعی: فرم کوتاه تجدیدنظر شده. مجله تحقیقات روانشناسی، شماره ۴، ۴۰-۲۵.
- Belli, R. F., Lindsay, D. S., Gales, M. S., & McCarthy, T. T. (۱۹۹۴). Memory impairment and source misattribution in post event misinformation experiments with short retention intervals. *Memory And Cognition*, ۲۲, ۴۰-۵۴.
- Brainerd, C. J., Reyna, V. F., & Forrest, T. J. (۲۰۰۲). Are Young children susceptible to the false – memory illusion? *Child Development*, ۷۳(۵), ۱۳۶۳-۱۳۷۷.
- Brainerd, C. J., Reyna, V. F., & Ceci, S. J. (۲۰۰۸). Developmental reversals in false memory: A review of data and theory. *Psychological Bulletin*, ۱۳۴, ۳۴۳-۳۸۲.
- Bruck, M., Ceci, S. J., Francoeur, E., & Barr, R. (۱۹۹۵). I hardly cried when I got my shot: Influencing children's reports about a visit to their pediatrician. *Child Development*, ۶۶, ۱۹۳-۲۰۸.
- De-Prince A, Allard CB, Oh H, Freyd JJ. (۲۰۰۴). What is in a name for memory errors? Implications and ethical issues arising from the use of the term "false memory" for errors in memory for details. *Ethics & Behavior*; ۱۴(۳): ۲۰۱-۳۳.
- D'Zurilla, T. J., Nezu, A. M., & Maydeu-Olivares, A. (۲۰۰۲). *Manual for the social problem solving inventory-revised* (pp. ۲۱۱-۲۴۴). North Tonawanda, NY: Multi-Health Systems.
- Elliott, T. (۱۹۹۹). Social problem solving abilities and adjustment to recent-onset physical disability. *Rehabilitation Psychology*, ۴۴, ۳۱۵-۳۳۲.
- Elliott, T., & Marmarosh, C. (۱۹۹۴). Problem solving appraisal, health complaints, and health-related expectancies. *Journal of Counseling and Development*, ۷۲, ۵۳۱-۵۳۷.
- Geraerts, E., Smeets, E., Jelicic, M., Van-Heerden, J., & Merckelbach, H. (۲۰۰۵). Fantasy proneness, but not self-reported trauma is related to DRM performance of women reporting recovered memories of childhood sexual abuse. *Consciousness and Cognition*, ۱۴, ۶۰۲-۶۰۱۲.
- Goodman, G. S., Ghetti, S., Quas, J. A., Edelstein, R. S., Alexander, K. W., Redlich, A. D., Cordon, I. M., & Jones, D. P. H. (۲۰۰۳). A prospective study of memory for child sexual abuse: New findings relevant to the repressed-memory controversy. *Psychological Science*, ۱۴, ۱۱۳-۱۱۸.
- Graf, P., Shimamura, A. P., & Squire, L. R. (۱۹۸۵). Priming across modalities and across category levels: Extending the domain of preserved function in amnesia. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition*, ۱۱, ۳۸۵-۳۹۵.
- Hanson, K. M., Mintz, L. B. (۱۹۹۷). Psychological health and problem-solving self-appraisal in older adults. *Journal of counseling psychology*. ۴۴, ۴۳۳-۴۴۲.
- Howe ML, Wimmer MC, Gagnon N, Plumpton S. (۲۰۰۹). An associative-activation theory of children and adults memory illusions. *Journal of Memory and Language*; ۶۰: ۲۲۹-۵۱.
- Howe, M. L., Garner, S. R., Dewhurst, S. A., & Ball, L. J. (۲۰۱۰). Can false memories prime problem solutions? *Cognition*, ۱۱۷, ۱۷۶-۱۸۱.
- Howe, M. L., Garner, S. R., Charlesworth, M., & Knott, L. M. (۲۰۱۱). A brighter side to memory illusions: False memories prime children's and adults' insight-based problem solving. *Journal of Experimental Child Psychology*, ۱۰۸, ۳۸۳-۳۹۳.
- Howe, M. L. (۲۰۱۱). The adaptive nature of memory and its illusions. *Current Directions in Psychological Science*, ۲۰, ۳۱۲-۳۱۵.
- Lindsay DS, Hagen L, Read JD, Wade KA, Garry M. (۲۰۰۴). True photographs and false memories. *Psychological Science*; ۱۵: ۱۴۹-۵۴.
- Myers DG. (۲۰۰۷). Do what you feel, maybe: The powers and perils of relying on intuition. *In Character*; ۲۸: ۳۰-۳۹.

- Nairne, J. S. (۲۰۱۰). Adaptive memory: Evolutionary constraints on remembering. *Psychology of Learning and Motivation*, ۵۳, ۱-۳۲.
- Nejati V, Kamari S, Radfar F, Shiri E.(۲۰۱۲).Determining semantic network for Persian selectedword and designing false memory based on it.*Quarterly Journal of Psychological Studies*;In press. [Persian]
- Roberts, P. (۲۰۰۲). Vulnerability to False Memory: The Effects of Stress, Imagery, TraitAnxiety, and Depression. *Current Psychology. Developmental, Learning, Personality, Social*, ۲۱, ۲۴۰-۲۵۲
- Roediger, H. L., III, & McDermott, K. B. (۱۹۹۵). Creating false memories: remembering words not presented in lists. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, & Cognition*, ۲۱, ۸۰۲-۸۱۴.
- Schacter, D. L., Guerin, S. A., & St. Jacques, P. L. (۲۰۱۱). Memory distortion: An adaptive perspective. *Trends in Cognitive Sciences*, ۱۵, ۴۶۷-۴۷۴.
- Stadler MA, Roediger HL, McDermott KB.(۱۹۹۹).Norms for word lists that create false memories.*Memory & Cognition*; ۲۷:۴۹۴-۵۰۰
- Sugrue, K., & Hayne, H. (۲۰۰۶). False memories produced by children and adults in the DRM paradigm. *Applied CognitivePsychology*, ۲۰, ۶۲۵-۶۳.
- Wade KA, Sharman SJ, Garry M, Memon A,Mazzoni G, Merckelbach H, et al.(۲۰۰۷). False claimsabout false memory research. *Consciousness andCognition*;۱۶(۱):۱۸-۲۸.
- Weinstein Y. (۲۰۰۹). *Rapid Induction of False Memory for Picture [dissertation]*. University College London
- Weinstein, Y., & Shanks, D. R. (۲۰۱۰). Rapid induction of false memory or pictures. *Memory*, ۱۸, ۵۳۳-۵۴۲.

